

مفهوم دادگری در نگاره ثناگویی امیر دزدان

نوع مقاله:
علمی پژوهشی

10.22052/HSI.2023.252526.1095

میثم روشنی*

مهدی کشاورز افشار**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

چکیده

دادگری به‌عنوان یک مفهوم فراگیر، به اشکال مختلف در هنر و ادبیات ایران بروز یافته‌است. در اندیشه سیاسی ایران‌شهری، برقراری نظم دربار، مبتنی بر قواعد نظم مقدس کیهانی یکی از الزامات دادگری محسوب می‌شد. با بروز تحولاتی در دوران شاهرخ، امیران لشکر ضمن لشکررداری، در راستای کسب قدرت دیوانی نیز اقدام می‌کردند. این فرایند از منظر اندیشه سیاسی ایران‌شهری مصداقی از بیداد و بی‌نظمی بود. بر این اساس، به‌نظر می‌رسد بروز نگاره ثناگویی امیر دزدان در نسخه بایسنغری گلستان سعدی، ضرورت بروز دادگری و برقراری نظم دربار را از سوی هنرمندان مکتب هرات و در نسبت با احوال زمانه آشکار می‌کند. بنابراین با هدف شناخت نسبت مفهوم دادگری و شکل‌گیری نگاره ثناگویی امیر دزدان، این سوال طرح گردید که روایت گلستان سعدی از حکایت ثناگویی امیر دزدان و تصویرگری آن در نسخه بایسنغری گلستان سعدی، چه نسبتی با ضرورت دادگری و برقراری نظم دربار در زمان حکومت شاهرخ تیموری و فرزندش بایسنغر دارد؟ ضرورت و اهمیت این مقاله نیز در بررسی وجوه سیاسی - اجتماعی هنر ایران است. روش تحقیق این مطالعه توصیفی - تحلیلی و تاریخی و روش گردآوری داده‌های آن به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که نگاره ثناگویی امیر دزدان، با توجه به شواهد تاریخی در زمره آثار سنت اندرزدهی سیاسی و آشکارکننده ضرورت توجه حاکم به دادگری و برقراری نظم دربار است. این تصویر که وضعیتی از بیداد را تجسم می‌بخشد، نقش و حضور امیران تیموری در دربار را نظیری بر امیر دزدان طرح می‌کند. از طرف دیگر، نگارگران در تداوم نقش سعدی در اندرزدهی سیاسی، ناشایست‌بودن ثناگویی در دربار را نیز موردتوجه قرار داده و عاقبت ناپسند آن را متذکر می‌شوند.

پژوهش‌های ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۰

بهار و تابستان ۱۴۰۲

۵

کلیدواژه‌ها:

نگارگری، مکتب هرات، اندرزدهی سیاسی، دادگری، گلستان سعدی.

* کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / meysamroshani@modares.ac.ir

** استادیار گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / m.afshar@modares.ac.ir

۱. مقدمه

طرح مفهوم دادگری، با هدف برقراری نظم سیاسی - اجتماعی، یکی از مسائل اساسی اندیشه سیاسی ایرانشهری و وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران در دوران میانه اسلامی بود (طباطبایی، ۱۳۹۹: ب: ۶۱). در این اندیشه، دادگری به عنوان خویشکاری اصلی شاه فرهمند آرمانی و به معنای منطبق ساختن نظم اجتماعی با نظم مقدس کیهانی طرح می‌شود. طی این دوران، در نتیجه مواجهه ایرانیان با سنت‌های ترکی و مغولی، جلوه‌های ویژه‌ای از ابعاد مختلف مفهوم دادگری در آثار هنری، فرهنگ و جامعه ایران شکل گرفت. براساس سنت‌های قبیله‌ای، قدرت متکی بر شمشیر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری دربار سلاطین ترک و مغول محسوب می‌شد. از نتایج وجود چنین رویکردی، بی‌نظمی و عدم ثبات سیاسی در سطح دربار و جامعه بود. این لشکریان، در مقاطع مختلف، شمشیر گشوده و نبردهایی را در میان درباریان به وجود می‌آوردند. هم‌چنین، بیش از درون دربار، این شمشیر بر روی رعیت گشوده می‌شد. در نتیجه، برقراری نظم دربار و مقید ساختن لشکریان به نظم، با دادگری در فراگیرترین شکل آن در سطح اجتماعی مرتبط بود (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). اما در طرف مقابل، بنا به ضرورت و امکان، وزیران، ادیبان و هنرمندان ایرانی، از تمهیدات متعدد اندیشه سیاسی ایرانشهری برای سامان‌یابی دربار سلاطین بهره می‌جستند. یکی از این تمهیدات، طرح قواعد حکومت‌داری در بستر سنت اندرزدی سیاسی بود. در نتیجه، قواعد نظم دربار، آداب حکومت‌داری و عواقب برهم خوردن آن، در آثار نظم، شعر و نگارگری برآمده از سنت اندرزدی سیاسی بروز وسیعی داشته‌است (کشاورز افشار، طاووسی، و ضیمران، ۱۳۸۹: ۴۰).

با روی کار آمدن تیموریان و پس از تاراج تیمور، در دوران شاهرخ ضمن حفظ قدرت لشکریان، دیگر ضرورت‌های حکومت‌داری از جمله امور دینی و دیوان‌سالاری نیز مورد توجه واقع شد. به نظر می‌رسد این تغییرات موجب اهمیت دیوان‌سالاری و بروز رقابت میان امیران تیموری و وزیران ایرانی برای کسب مشاغل دیوانی بود. به عبارت دیگر، ارکان دربار که وظیفه دادگری و برقراری نظم در جامعه را برعهده داشتند، در این دوران، دربار را به صحنه‌ای از جاه‌طلبی و بی‌نظمی تبدیل می‌کردند (اورعی قدیری، قنوت، و عباسی، ۱۳۹۱: ۴۰). در چنین وضعیتی، کتابخانه بایسنغر در هرات «پناهگاه هنرمندان و پایگاه پاسداری از سنت‌های هنری ایران گردید» (آژند، ۱۳۸۹، ج. ۱: ۲۳۸). به نظر می‌آید این هنرمندان در تلاش بودند تا با بازاریابی آثار برآمده از سنت اندرزدی سیاسی و بهره‌گیری از هنر نگارگری، عواقب تداوم چنین وضعیتی را به ارکان قدرت متذکر شوند. بنابراین، در نسبت با شرایط سیاسی - اجتماعی این دوران، به نظر می‌رسد بازاریابی نسخه‌ای از گلستان سعدی در کتابخانه بایسنغر نیز برآمده از ضرورت اندرزدی سیاسی در این دوران باشد. این اثر که از نسخ درخشان هنر ایران محسوب می‌شود، با شماره Pers.119 و با تاریخ ۸۳۰ ه. ق در موزه چستریتی ایرلند محفوظ است. جای توجه دارد که در این نسخه، حکایت ثناگویی امیر دزدان، به عنوان یکی از تندترین انتقادهای سعدی، مورد توجه نگارگران قرار گرفته‌است. ضمن کیفیت‌های ویژه و متمایز حکایت سعدی، تصویرگری این نگاره نیز با عناصر متفاوتی مانند امیر دزدان، شاعری برهنه، سگ‌هایی در حال حمله و فضایی که در آن سنگ‌ها نیز بچ بسته‌اند، شکل گرفته‌است. این عناصر، تصویری متمایز از صحنه‌های متداول شاهانه و یا رزم و ظفر سلاطین را به شکلی پرسش‌برانگیز تجسم بخشیده‌اند. به نظر می‌آید هنرمندان با شکل‌دهی به این نگاره، قصد داشته‌اند وضعیت دربار و نتایج گسترش بیش از اندازه نفوذ امیران لشکر را مورد انتقاد قرار دهند.

بنابراین با توجه به این که در اندیشه سیاسی ایرانشهری، هدف از طرح مفهوم دادگری، منطبق ساختن نظم سیاسی - اجتماعی با نظم مقدس کیهانی بود، به نظر می‌رسد ضرورت شکل‌گیری نگاره ثناگویی امیر دزدان را می‌توان در تداوم سنت اندرزدی سیاسی و با طرح لزوم توجه حکام به دادگری و برقراری نظم دربار مورد بررسی قرار داد. در نتیجه، با هدف شناخت نسبت مفهوم دادگری و شکل‌گیری نگاره ثناگویی امیر دزدان، این سوال طرح گردید که روایت گلستان سعدی از حکایت ثناگویی امیر دزدان و تصویرگری آن در نسخه بایسنغری گلستان سعدی، چه نسبتی با ضرورت دادگری و برقراری نظم دربار در زمان حکومت شاهرخ تیموری و فرزندش بایسنغر دارد؟ ضرورت و اهمیت این مقاله نیز در بررسی هنر ایران به عنوان موضوعی با وجوه متعدد است. از یک سو ضرورت بررسی وجوه سیاسی - اجتماعی هنر ایران و از طرف دیگر چگونگی نسبت‌یافتن وجوه سیاسی - اجتماعی و زیبایی‌شناسی دارای اهمیت می‌باشد.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش از لحاظ هدف بنیادی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و تاریخی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این مقاله، نگاره ثناگویی امیر دزدان به صورت نمونه موردی تحلیل می‌شود. روش انتخاب نمونه هدفمند بوده و

تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شده است. ابتدا براساس اسناد و منابع کتابخانه‌ای، ضرورت‌های سیاسی شکل‌گیری این نگاره از نسخه گلستان سعدی در زمان حکومت شاه‌رخ مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به ضرورت‌های سیاسی شناسایی شده در دوران شاه‌رخ و کیفیت‌های اندرزگون حکایت سعدی، براساس نظریه اندیشه سیاسی ایران‌شهری تحلیل کیفی این نگاره در نسبت با سنت اندرزدهی سیاسی و مفهوم دادگری انجام شد.

۳. پیشینه پژوهش

درخصوص بررسی نگاره ثناگویی امیر دزدان پژوهش مستقلی یافت نشد اما با توجه به موضوع مورد بررسی، سید مانی عمادی (۱۳۹۰) در مقاله «تحلیل چند نگاره پهلوانی از منظر جهان‌نگری فتوتیه»، نسبت‌یافتن هنر نگارگری با وقایع دربار و نزاع امیران و وزیران در مکتب هرات را مطرح کرده است. همچنین کشاورز افشار، طاووسی، و ضیمران (۱۳۸۹) در مقاله «اندیشه سیاسی ایران‌شهری در نگارگری ایرانی، مطالعه موردی: نگاره بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است از خمسه نظامی، مربوط به دوره شاه تهماسب صفوی»، نسبت‌یافتن هنر نگارگری و اندیشه سیاسی مطرح‌شده و پدیداری سنت اندرزدهی سیاسی در هنر نگارگری مورد بررسی قرار گرفته است. از طرف دیگر جواد طباطبایی (۱۳۹۵) در مقاله «اندرزنامه‌نویسی خلاف‌آمد عادت سعدی»، آثار سعدی را در زمره آثار متمایز سنت اندرزدهی سیاسی دانسته است. در نتیجه با توجه به این که درخصوص نگاره ثناگویی امیر دزدان مطالعه مستقلی یافت نشد و با توجه به نسبت سنت اندرزدهی سیاسی با آثار سعدی و هنر نگارگری، در این مقاله نگاره ثناگویی امیر دزدان در نسبت با سنت اندرزدهی سیاسی و در چارچوب اندیشه سیاسی ایران‌شهری مورد مطالعه قرار گرفته است.

۴. اندیشه سیاسی ایران‌شهری

اندیشه سیاسی ایران‌شهری، برای مشخص کردن مجموعه اندیشه‌های ایرانیان باستان در باب سیاست و حکومت‌داری طرح شده است (طباطبایی، ۱۳۹۹: ۴۵-۹۱؛ اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۹-۳۱؛ رستموندی، ۱۳۸۸: ۲۵؛ رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۴) این اندیشه‌ها از عصر پیشازرتشت تا دوره دین زرتشتی نضج یافته و در دوره‌های حکومت هخامنشیان و به‌ویژه ساسانیان نمود عملی یافته است. در زمان ساسانیان ساختار ایران‌شهری، نظام سیاسی، مفاهیم و روش عملی مرتبط با اداره جامعه و مشروعیت حکومت پادشاهی را شکل می‌داد (رستموندی، ۱۳۸۸: ۱۴). مفاهیمی همچون دادگری، شاه فرهمند آرمانی، نبرد خیر و شر، نظم مقدس کیهانی، وزارت و آرمان‌شهر، بنیان‌های نظریه اندیشه سیاسی ایران‌شهری را شکل می‌دهد.

در دوران اسلامی، پس از حمله اعراب و با حضور دین مبین اسلام، نظام شهریاری ایرانی از هم پاشید. اما با بروز کژکارکردهای ناشی از شیوه حکومت خلفا، ضرورت برقراری نظم و وحدت در سرزمین ایران، موجب بازاندیشی مداوم در قواعد ساختار سیاسی شد (طباطبایی، ۱۳۹۹: ۱۴). از آن جا که مهم‌ترین الگوی برقراری نظم در فرهنگ ایرانی، قواعد و منابع به‌جای‌مانده از اندیشه ایران‌شهری بود، این اندیشه در سیری تاریخی مورد بازاندیشی قرار گرفت (طباطبایی، ۱۳۹۹: الف، ۷۶). در نتیجه در دوران اسلامی و با ورود دبیران و وزیران ایرانی همچون ابن‌مفقع (۱۰۴-۱۴۲ ه.ق)، ابن‌قتیبه (۲۱۳-۲۷۶ ه.ق) به دربار خلفا، کاربرتن منابع اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دربار ایشان مورد توجه قرار گرفت، لذا در همین دوران ترجمه و توسعه مکتوب این منابع نیز میسر شد. از طرف دیگر توجه برخی اندیشمندان عرب همچون جاحظ (۱۶۰-۲۵۵ ه.ق) به روش‌های حکومت‌داری شهریاران ایران معطوف شده و شکل‌گیری آثار مهمی چون التاج را در پی داشت.

خارج از دربار خلفا و درون سرزمین ایران نیز تداوم این آموزه‌ها در سطوح مختلف قابل توجه است. در سطح نخست، سنت‌های غیررسمی اندیشه سیاسی، همچون اندیشه‌های انتقادی طبقه دهقانان بر شکل‌گیری آثار ادیبانی چون فردوسی اثرگذار بود (صفا، ۱۳۹۸: ج ۱: ۱۱۷)؛ در دومین سطح، بروز حکومت‌های سامانیان، غزنویان و آل بویه و عاملیت وزیران ایرانی همچون مسکویه (۳۲۰ یا ۳۲۶-۴۲۱ ه.ق)، بازاندیشی و توجه به اندیشه سیاسی ایران‌شهری را مهیا می‌کرد. اما مهم‌ترین تغییر در فرایند برپایی نظام سیاسی ایران‌شهری در زمان ورود ترکان سلجوقی و وزارت خواجه نظام‌الملک شکل گرفت. در نتیجه اقدامات خواجه نظام‌الملک، بروز ضعف در دستگاه خلافت و همچنین دگرگونی نظام سیاسی - اجتماعی ایران، این اندیشه به اندیشه سیاسی اثرگذار در دوران اسلامی ایران تبدیل شد. همچنین اندیشه

سیاسی ایرانشهری به‌عنوان نظامی مدون از اندیشه‌های حکومتداری ایرانی و منبعی مهم برای تداوم فرهنگ ایران در متونی چون سیاست‌نامه تدوین شد (طباطبایی، ۱۳۹۹: ب: ۱۴). بر این اساس امکانی برای بهره‌گیری، تداوم و یا بازنگری در این اندیشه‌ها طی فراز و فرودهای ادوار بعدی فراهم شد. از مهم‌ترین نتایج چنین فرایندی، بروز ضرورت ایفای نقش وزیران و دبیران ایرانی در تنظیم دادگرانه روابط سلاطین ترک و مغول با رعیت بود (همو، ۱۳۹۹: الف: ۱۸-۲۳).

۵. ضرورت دادگری در اندیشه سیاسی ایرانشهری

در این اندیشه، نظم مقدس کیهانی به‌عنوان قانون الهی (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۵۲) و دادگری به معنای «برقرارکردن قانون است» (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۲۲). بنابراین در اندیشه سیاسی ایرانشهری دادگری به‌معنای منطبق‌ساختن نظم اجتماعی با نظم مقدس کیهانی تعریف شده و به‌عنوان خویشکاری اصلی شاه فرهمند آرمانی طرح می‌شد تا آبادانی ایرانشهر محقق شود (طباطبایی، ۱۳۹۹: ب: ۱۶۷؛ رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). لازمه تحقق این خویشکاری، درک و پابندی شاه به نظم مقدس کیهانی بود که او را «اشون» می‌ساخت و تنها در این صورت، او امکان کسب فرهمندی را می‌داشت. در نتیجه در اندیشه سیاسی ایرانشهری، دادگری به‌عنوان مبنای سیاست مقدس، تنها در نسبت با مفهوم «اشه» برای شاه و کارگزاران دربار قابل درک بوده تا وضعیت آرمانی ایرانشهر محقق شود.

بر مبنای لزوم درک «اشه» توسط شاه و دادگری به‌عنوان اجرای قانون الهی، «در اندیشه ایرانشهری دینیاری از پادشاهی جدا نیست» (طباطبایی، ۱۳۹۹: الف: ۱۶۳). از طرف دیگر افزون بر منابع ایرانشهری، رابان یونانی و رومی نیز مرجع اصلی دادگری و اشه در اندیشه ایرانشهری را پروردگار دانسته و در متون خود نقل کرده‌اند: «اوست پدر نظم و آیین و عدالت... یگانه موجد قانون مقدس طبیعت» (اوشیدری، ۱۳۷۸: ۲۶). در نتیجه، شاه برای کسب فرهمندی و برپایی حکومتی دادگرانه، می‌بایست از فعلیت الهی پیروی کند. از این رو دادگری و حکومتداری شاه فرهمند آرمانی در ایرانشهر برای برقراری نظم مقدس، می‌بایست «تذکاری از الگوی اعلائی خود باشد» (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۲۹۹).

با طرح مفهوم فرهمندی برای شاه دادگر، «تحقق کامل اشه در بعد فردی زندگی بشر، در قالب انسان کامل یا اشون مشهود است و تحقق تام اشه در بعد اجتماعی زندگی بشر، نیل به آرمان‌شهر است» (میرزاپور آل‌هاشم و محمودی، ۱۳۹۹: ۱۷۷). از این رو در تمایز با اندیشه یونانی، آرمانشهر ایرانی به‌عنوان الگویی برای تحقق سیاست مقدس در زمین درک شده و دارای نمونه‌هایی تحقق‌یافته بود. در این اندیشه، مهم‌ترین مصداق آرمانشهر، سرزمین ایرانشهر بود و شهرها، دژها و کاخ‌هایی چون تخت جمشید، ورجمکرد و کنگ دژ، هم‌چنین کاخ‌های شاهان به‌عنوان الگوهای تحقق‌یافته آرمانشهر محسوب می‌شد (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۶۷).

با قرارگرفتن کاخ شاهان در شکل الگویی آرمانی، نظم حاکم بر دربار شاهان می‌بایست به‌گونه‌ای برقرار باشد که برترین نمونه اشه را برای تحقق جامعه آرمانی عینیت بخشد، چراکه نظم تمامی امور با دادگری شاه به‌عنوان کارگزار سیاست مقدس و مشاغل دربار او درهم‌تنیده بود (روشنی و کشاورز افشار، ۱۴۰۲: ۱۰۵). بر این اساس لازم بود نظم دربار او به‌گونه‌ای شکل بگیرد که خویشکاری شاهانه با برج‌آبودن مشاغل کارگزاران دربار محقق شود. مهم‌ترین روش ایرانشهری برای تحقق چنین نظامی در امور دربار، بهره‌گیری از نظام القاب بود. از جانب شاه دادگر لقبی به هر شخص تخصیص داده می‌شد تا خویشکاری او براساس توانایی‌هایش مشخص شده و نظم دربار برقرار گردد (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۴: ۱۷۰-۱۷۶). به عبارت دیگر، دادگری در اندیشه ایرانشهری معادل این بود که «هر یک از افراد مقامی ثابت داشت و کسی نمی‌توانست به حرفه‌ای مشغول شود، مگر آنچه از جانب خدا برای آن آفریده شده بود» (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۲۳۰). در دفتر ششم مثنوی، مولانا این مفهوم را در شکلی فراگیر، این‌گونه طرح کرده‌است: «عدل چه بود وضع اندر موضعی / ظلم چه بود وضع در ناموقعش» (مولوی، ۱۳۷۸: ۹۹۹). در تناسب با این فهم از دادگری، در عهد اردشیر تأکید می‌شود که حاکم عادل «نباید هیچ چیز را از دمی که سر یا سری که دم شده‌است یا دست کارورزی که بیکار گردیده و یا بزرگی که فرو افتاده یا فرومایه‌ای که برآمده است، ترسناک‌تر داند» (امام‌شوشتری، ۱۳۴۸: ۷۹).

مهم‌ترین مانع برای چنین نظامی در دربار شاهان، «آز» بود که بر مبنای نظامی برآمده از درک خیر و شر، به‌عنوان مفهومی متضاد «داد» درک می‌شد. آزمندی کارگزاران و یا حاکم که در نتیجه زیاده‌خواهی و یا عدم درک اشه شکل می‌گرفت، ایشان را به‌عنوان نیروی «شر» در مقابل دادگری و برقراری «خیر» در جامعه قرار می‌داد. آزمندی و رقابت‌جویی کارگزاران دین، لشکر و یا دیوان، با برهم زدن نظم دربار، شر و

بی‌نظمی را نیز در جامعه گسترش می‌داد. بر این اساس در بنیان اندیشه سیاسی ایرانشهری، همواره لازم بود تا وزیر به‌عنوان مجری سیاست مقدس، تحت قدرت قدسی شاه فرهمند آرمانی بر نظم دربار و امور جامعه نظارت داشته باشد. در همین ارتباط مسعودی از انوشیروان نقل می‌کند:

پادشاهی به سپاه است و سپاه به مال و مال به خراج و خراج به آبادی، و آبادی به عدل و عدالت به اصلاح عمال است و اصلاح عمال به درست‌کاری وزیران است و سر همه این است که شاه مالک نفس خویش باشد و آن را تأدیب کند که مالک و نه مملوک آن باشد. (مسعودی، ۱۳۸۲: ۲۶۴)

در نتیجه، لازم بود با تحقق جایگاه مقتدر شاه دادگر، وزیر دانا به‌عنوان مسئول برقراری نظم دربار، مشاغل و نظم القاب کارگزاران را به‌گونه‌ای برقرار کند که ایرانشهر در وضعیت آرمانشهر قرار بگیرد. خواجه نظام‌الملک در خصوص اهمیت جایگاه وزارت در سیاست‌نامه تأکید می‌کند:

و از احوال وزیران می‌باید پرسیدن تا شغلها بر وجه می‌رانند یا نه که صلاح و فساد پادشاه و مملکت بدو باز بسته باشد چون وزیر نیک روش و نیک رأی باشد، مملکت آبادان بود و لشکر و رعایا خشنود و آسوده و با برگ، و پادشاه فارغ دل، و چون بد روش باشد در مملکت آن خلل تولید کند که در نتوان گفت همیشه پادشاه سرگردان بود و رنجور دل و ولایت مضطرب. (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۴: ۲۴)

اما جای توجه دارد پس از ورود سنت‌های قبیله‌ای ترکی و مغولی به ایران، در دوره‌های مختلف، برقراری القاب و مشاغل دربار مستلزم یک ضرورت معرفت‌شناختی نیز بود چراکه مستلزم جایگزینی خرد و قدرت سیاسی با سنت‌های قبیله‌ای و قدرت متکی بر شمشیر ایشان بود. از آن‌جا که حاکم به‌عنوان محور حکومت، تنها با علم به نظم مقدس، شاهی دادگر می‌بود و تحقق نظم مشاغل دربار در تناسب با احوال دوران ممکن می‌شد، انتقال این معرفت به دربار ایشان برای تداوم اندیشه سیاسی ایرانشهری ضروری بود. بنابراین در نتیجه ضرورت فهم به‌هم‌پیوستگی این مفاهیم و تأثیرات آن که مستقیماً با سامان جامعه مرتبط بود، آموزش مفاهیم سیاسی به شاهان و تربیت شاهزادگان که از ضرورت‌های باستانی اندیشه سیاسی ایرانشهری بود، در طی دوران حکومت ترکان و مغولان بر ایران با اهمیت و کیفیاتی ویژه تداوم یافت.

۶. سنت اندرزنامه‌نویسی و نسبت آن با هنر

در نتیجه مُلکداری نامطلوب شاهان، بروز بی‌نظمی در دربار یکی از چالش‌های محوری بود که بی‌سامانی و و بیداد را در اجتماع شکل می‌داد. بنابراین، قابل توجه است که «شهریاران یکسر شاهان آرمانی نیستند. چه در متون مذهبی و چه در روایات پهلوی و ملی، برخی از این شاهان دچار انحراف و خطا می‌شوند» (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۶۱). در نتیجه، برای تحقق شاه فرهمند آرمانی، آموزش‌های قواعد مُلکداری ضروری بود. در دوران اسلامی و در مواجهه با بیگانگی سلاطین ترک و مغول با آداب حکومت‌داری ایرانشهری، آموزش و هدایت ایشان توسط وزیران ایرانی امری ضروری بود تا با برقراری نظم ایرانشهری در دربار ایشان، روابط شاه و رعیت بسامان گشته و دادگری تحقق یابد (برزگر و حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۲). موضوع اصلی این اندرزها، تدبیر امور کشور و نحوه اداره مملکت براساس مؤلفه‌های مفهومی قدسی در اندیشه سیاسی ایرانشهری بود و در شکل مفهوم آداب حکومت و مُلکداری طرح می‌شد (کشاورز افشار، طاووسی، و ضیمران، ۱۳۸۹: ۵۴). این آموزه‌های سیاسی براساس سنت اندرزدهی و اندرزگیری سیاسی و براساس اوضاع روزگار طرح می‌شد. تداوم سنت اندرزگویی، سنت اندرزنامه‌نویسی را در پی داشت (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

از آن‌جا که اندرز و انتقاد مستقیم می‌توانست مایه خشم و دل‌آزرده‌گی شاه باشد، پیوند سنت اندرزنامه‌نویسی با زیبایی و هنر در نظام سیاسی ایران یک امر ضروری بود (رجایی، ۱۳۷۳: ۲۶-۲۷). اندرزنامه‌ها برای آموزش آداب حکومت‌داری به پادشاهان، بیشتر از روش غیرمستقیم و بیان مقصد در قالب حکایات تاریخی، قصه‌گویی و تمثیل استفاده می‌کردند (یوسفی‌راد، ۱۳۸۷: ۲۵۷). در اندرزنامه‌های ادبی، شاه به‌عنوان مخاطب غیرمستقیم بود. در این اندرزنامه‌ها روایت‌هایی در راستای تعلیم آداب حکومت و مُلکداری طرح می‌شد. در پیوند با اندرزنامه‌های ادبی، بسیاری از آثار نگارگری ایران نیز براساس سنت اندرزدهی سیاسی مصور شده و بر بستر هنر کتاب‌آرایی بروز یافته‌اند. از لحاظ روش، مشابه اندرزنامه‌ها، نگارگران از گنجاندن نکات سیاسی در دل یک امر زیباشناختی برای شکل‌دهی به تصاویری اندرزگون استفاده می‌کردند. هدف از این نگاره‌ها، بهره‌گیری از تمهیدات بصری و زیبایی‌شناختی جهت مورد اندرز قرار دادن شاهان بود. چنین کیفیت‌هایی، نگارگری را با ضرورت‌های سیاسی دوران مرتبط می‌ساخت (کشاورز افشار، طاووسی، و ضیمران، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۳). بر این

اساس، مسائل اجتماعی و آداب حکومت‌داری، از جمله مراعات رعیت، تعارض امیران و وزیران، خطای شاهان در تشخیص دوست از دشمن و یا نهایتاً لزوم توجه شاهان به دادگری که از مسائل دربارهای ایران بود، در دوره‌های مختلف هنر ایران نیز موضوعاتی قابل توجه بوده‌اند. این تصاویر در بستر سنت اندر زده‌ی سیاسی و در نسبت با احوال زمانه بروز می‌یافته‌اند تا با بهره‌گیری از اندیشه‌ای سیاسی، مسائل معاصر خود را مورد توجه قرار دهند. در نتیجه، بررسی این نوع از آثار نگارگری ایران در نسبت با ضرورت‌های زمانه می‌تواند در شناخت ضرورت‌های سیاسی - اجتماعی مرتبط با زیبایی‌شناسی و تاریخ هنر ایران اثرگذار باشد.

۷. مواجهه سنت‌های ترکی - مغولی و اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دوران شاهرخ

در دوران حکومت شاهرخ، تنوع تحولات و جریان‌های اثرگذار بر شرایط سیاسی اجتماعی، شرایط پیچیده‌ای را در هرات شکل می‌دهد. اما به اختصار و در تناسب با موضوع این پژوهش، بروز مواجهه میان امیرانی متکی بر سنت‌های ترکی - مغولی و وزیران، ادیبان و هنرمندان ایرانی را در بستر حوادث دوران حکومت شاهرخ می‌توان مورد توجه قرار داد. پس از ورود لشکریان تیمور به ایران که بلائی آسمانی توصیف می‌شد (رهنورد، ۱۳۹۸: ۴۸)، سامان‌یابی نسبی احوال لشکریان در دوران شاهرخ تمایز بسیاری را مدنظر مورخان قرار داده‌است. چراکه به‌رغم حمایت متداول و تاریخی سلاطین ترک و مغول از اهل شمشیر در تعارضات وزیران و امیران لشکر، شاهرخ توجه ویژه‌ای به بهره‌گیری از توانایی وزیران ایرانی نشان داد و نظم و سامانی متفاوت از گذشته را رقم زد. در نتیجه در مقایسه با ویرانی‌های تیمور، شاهرخ با تلاش برای خروج از سنت‌های چادرنشینی، برخی روش‌های حکومت‌داری ایرانیان را نیز مدنظر قرار داد و اقدامات او ضمن توجه به ضرورت برقراری عدالت، به آبادانی خراسان منجر شد (امیراسمی، فیاض‌انوش، و الهیاری، ۱۳۹۹: ۴۶).

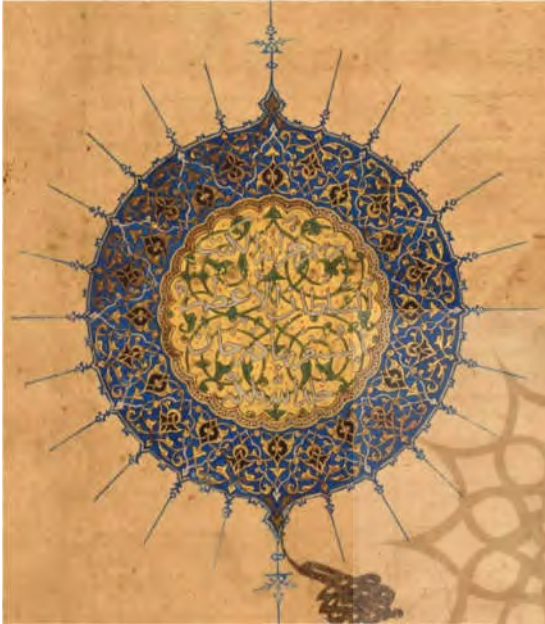
ضمن آنکه شاهرخ چندپارگی در حکومت را مبتنی بر سنت‌های ترکی - مغولی مدنظر داشت، با فاصله‌گرفتن از ساختار نظامی عصر تیمور در مواجهه با ضرورت‌های حکومت‌داری، ضرورت‌های دیوانی را ضمن تداوم قدرت لشکریان مدنظر قرار داد (رضوی و آزادبخت، ۱۳۹۷: ۱۲۲). لذا در روندی تدریجی، در دربار تیموری، برتری و دگرگونی جایگاه اهل قلم در حال بروز بود. از این رو مجالی هرچند محدود برای حضور وزیری چون پیراحمد خوافی در دربار میسر شد (اورعی قدیری، فنوات، و عباسی، ۱۳۹۱: ۴۰). اما این شرایط ضمن امکان حضور وزیران ایرانی در دربار، برای امیران تیموری نیز شرایط ویژه‌ای را شکل می‌داد که در رقابت با ایرانیان قرار گرفته بودند. در چنین شرایطی، بسیاری از امرای تیموری با جاه‌طلبی، برای نشان‌دادن استعداد و توانایی خود به نقش‌های دیوانی روی آورده و فرمانروایی در مناطق را ضمن نفوذ در دربار به دست می‌آوردند. اما این تغییر جایگاه به این معنا نبود که امیران، لشکررداری را رها ساخته و به دیوان‌سالاری روی آورده‌اند بلکه این فرایند همراه با گسترش نقش و نفوذ امیران از لشکررداری تا دیوان‌سالاری بود.

این تغییر تاکتیک بزرگان نظامی و به‌ویژه خاندان کولکلتاش که با هدف حفظ موقعیت انجام می‌گرفت، از این حیث جالب بود که برای نخستین بار در تاریخ حکومت‌های ترک - مغول حاکم بر ایران تجربه جدیدی قلمداد می‌شد و اشرافیت نظامی را در پذیرش سنن ایرانی حکومت‌داری و کارآمدی بیشتر اهالی قلم متقاعد می‌نمود. (رضوی و آزادبخت، ۱۳۹۷: ۱۳۶)

اما در نهایت، تداوم این وضعیت، از یک‌سو قدرت و نفوذ امیران تیموری را در مقابل وزیران و دبیران ایرانی، به شکل چشم‌گیری تثبیت می‌نمود و از طرف دیگر، این تحولات منجر به شکل‌گیری ساختاری چندپاره از حوزه‌های فرمانروایی امیران تیموری می‌شد. آن‌چه اشاره شد درحالی منجر به دگرگونی در وضعیت سیاسی ایران بود که در بنیان اندیشه سیاسی ایران‌شهری، تمرکز دربار، از اصول سیاسی و یگانگی سرزمین نیز نعمتی الهی در برابر چندپارگی و ویرانی محسوب می‌شد (امام‌شوشتری، ۱۳۴۸: ۶۹). هم‌چنین در این اندیشه، وزیر به‌عنوان مرجع بروز اقتدار سیاسی شاه، تنظیم روابط شاه و رعیت، وحدت‌بخشی به ملک و مملکت، تحقق نظم مشاغل دربار و نهایتاً بروز عدالت محسوب می‌شد. در نتیجه با حضور توأمان نیروهای ایرانی و تیموری در صحنه سیاست، در بطن روابط حاکم بر دربار شاهرخ، نوعی از تعارض وجود داشت که نتیجه آن رقابت و کشمکش مداوم میان نیروهای ایرانی و ترکی - مغولی بود (اورعی قدیری، فنوات، و عباسی، ۱۳۹۱: ۴۰). در چنین وضعیتی، شکل‌گیری کتابخانه بایسنغر میرزا، فرزند شاهرخ، که پناهگاه هنرمندان ایرانی و محل پاسداری از سنت‌های ایران بود، دارای اهمیت ویژه‌ای است (آژند، ۱۳۸۹، ج. ۱: ۲۳۸). به‌نظر می‌رسد در نسبت با شرایط سیاسی - اجتماعی این دوران، بازآرایی نسخه‌ای از گلستان سعدی در این کتابخانه برآمده از ضرورت اندر زده‌ی سیاسی در این دوران باشد.

۸. معرفی نسخه بایسنغری گلستان سعدی

در کتابخانه بایسنغر و در سال ۸۳۰ ه.ق نسخه‌ای از گلستان سعدی بازآرایی شده است. این اثر مجلدی در ۴۸ برگه است که نگارش و تزئینات آن با مرکب، رنگدانه و طلا روی کاغذ انجام شده است (همان، ۲۶۵). این نسخه با ابعاد ۲۴۸ در ۱۵۴ میلی‌متر، حاوی هشت نگاره است که در جدول (۱) قابل مشاهده‌اند. این نگاره‌ها بنا به توصیف موزه چسترییتی همگی بر روی ورق‌های جداشده به همراه اصل نسخه در این موزه نگهداری می‌شوند. خصوصیات این نگاره‌ها ویژگی‌های اصلی مکتب هرات در طی قرن نهم ه.ق را آشکار می‌کند (رهنورد، ۱۳۹۸: ۶۸). صحافی این نسخه چرمی و متأخر بوده و با خط نستعلیق کتابت شده است. با وجود نام بایسنغر فرزند شاهرخ در صفحه سرلوح کتاب و عبارت



تصویر ۱: بخشی از صفحه سرلوح نسخه گلستان بایسنغری، خطاط: جعفر بایسنغری (موزه چسترییتی)

«رسم خزانه الکتب السلطان الاعظم بایسنغر بهادرخان خلدالله ملکه» (تصویر ۱) به‌طور قطع این اثر اندرزننامه‌ای است که در دوران حکومت شاهرخ و در کتابخانه بایسنغر ساخته شده است.

متن این نسخه توسط رئیس کتابخانه دربار بایسنغر، استاد خوشنویس فریدالدین جعفر تبریزی، معروف به جعفر بایسنغری کتابت شده است (همان‌جا). نگاره‌های نسخه، کار چند نقاش مختلف دربار از جمله میرخلیل، خواجه غیاث‌الدین، خواجه عطا و مولانا شهاب است. اگرچه آنها اثر خود را در این نسخه امضاء نکرده‌اند، اما در سند جداگانه‌ای در دادگاه که توسط جعفر تبریزی در حدود ۸۳۰ ه.ق به بایسنغر نوشته، گزارش داده می‌شود که این هنرمندان در حال تکمیل نسخه‌ای از گلستان هستند. یکی از حکایت‌های موردتوجه نگارگران برای بازآرایی این نسخه از گلستان سعدی، حکایت ثناگویی امیر دزدان است که در تناسب با وضعیت سیاسی این دوران، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

جدول ۱: معرفی نگاره‌های گلستان سعدی، نسخه ۸۳۰ ه.ق، محفوظ در موزه چسترییتی (نگارندگان)

۴. نگاره نجات از دریا	۳. نگاره کشتی بهلوانان	۲. نگاره ترجم شاه بر درویش	۱. نگاره شب را ببوستان



۹. حکایت سعدی از ثناگویی امیر دزدان

در دوران شاهرخ، بهرغم سامان نسبی احوال اجتماع، نظام دربار در نسبت با اندیشه سیاسی ایرانشهری وضعی نابسامان داشت. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این وضعیت، گستردگی مشاغل و نفوذ امیران تیموری بود (رضوی و آزادبخت، ۱۳۹۷: ۱۳۶). در چنین وضعیتی، انتخاب نگاره ثناگویی امیر دزدان از سوی هنرمندان ایرانی کتابخانه بایسنغر، اقدامی قابل توجه است. موضوع این نگاره مبتنی بر حکایت دهم از باب چهارم گلستان سعدی با عنوان «در فوائد خاموشی» است. در این حکایت، سعدی به اختصار چگونگی نسبت یافتن حضور حاکمی دروغین و برهم خوردن نظم راستین اجتماع و اختلال در نظام معرفت‌شناسی را طرح می‌کند:

یکی از شعراً نزد امیر دزدان رفت و قصیده در ثنایی بر او برخواند فرمود تا جامه از او بدر کنند و از ده بدر نمایند. مسکین در سرما همی‌رفت و سگان قریه بقفایش افتادند. خواست تا سنگی بردارد زمین بیخ گرفته بود، عاجز ماند و گفت این چه حرامزاده مردمانند که سنگ را بسته و سگ را گشاده‌اند امیر دزدان از غرفه بدید و بشنید و بخندید و ویرا نزد خود طلبید و گفت ای حکیم از من چیزی بخواه گفت جامه خود می‌خواهم اگر انعام کنی. رضینا من نوالک بالرحیل. امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان. سالار دزدان را بر او رحمت آمد و جامه‌اش باز داد و قبا پوستینی بر آن افزود و درمی چند بوی بخشید. (سعدی، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۱۱)

با توجه به ویژگی‌های سخن سعدی، به‌نظر می‌رسد طرح شاعری ثناگو، امیری دزد و سنگ‌ها و سگ‌هایی دگرگون‌شده در این حکایت، دارای اهمیتی اندرزرگون و انتقادی در نسبت با احوال دوران ایلخانی است. با این ملاحظه که در سخن سعدی، حتی مدح نیز همراه با پند و اندرز بوده و با متملقانی که در زمانه او سخن فارسی را وسیله‌ای برای کسب نام و نان کرده بودند، بر سر مخالفت بوده (قربانی، ۱۴۰۰: ۷۲)، به‌نظر می‌رسد سعدی با طرح این حکایت، ضمن نقد تملق و چاپلوسی، ظلم و غارت صاحبان قدرت را نیز مورد انتقاد قرار می‌دهد. از این‌رو، این حکایت را می‌توان از منظر مواجهه انتقادی سعدی با وضعیت سیاسی ایران در دوران غارت مغول، موردتوجه قرار داد.

در اندیشه سیاسی ایرانشهری، دربار شاه فرهمند آرمانی به‌عنوان مرجع برقراری نظم قدسی در جامعه محسوب می‌شد و با برقرار ساختن وضعیت «داد»، با برقراری نظم تمامی امور در جامعه نسبت می‌یافت. در این اندیشه، «شاه نماینده طبقات و اصناف مردم، تبلور نهادهای سیاسی و اجتماعی و ضامن بقای آن‌ها بود» (طباطبایی، ۱۳۹۹: ۶۵). به عبارت دیگر، در صورت دادگری شاه فرهمند آرمانی، نظم اجتماع متناسب با نظم مقدس کیهانی گشته و وضعیتی از داد شکل می‌گرفت (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۹۷). بر این اساس، هر فردی بر مبنای اراده الهی می‌بایست نقشی ثابت و منطبق بر استعدادهای ذاتی خود را درک کرده و به آن متعهد می‌بود (کریستین‌سن، ۱۳۸۴: ۲۳۰). بر این مبنای نام و ظاهر هر پدیده‌ای می‌بایست تکرار باطن راستین آن می‌بود. اما زمانه سعدی زمانه تاراج مغول بوده‌است. در نتیجه، در این حکایت با توجه به بیداد حاکمان، نظم و معنای تمامی امور به شکلی دگرگون و حیرت‌انگیز از سوی سعدی طرح می‌شود.

از منظر اندیشه سیاسی ایرانشهری، ایلخانان به دروغ در جایگاه سلطنت قرار گرفته و دربار، مرجع بیداد گشته و نظم تمامی امور با دروغ برهم می‌خورد. بر این اساس، سعدی با طرح دو صفت «ثناگو» برای شاعر و «دزد» برای امیر، وضعیتی از بی‌نظمی معانی و برهم خوردن

خویشکاری افراد را که در نتیجه بیداد حاکمین شکل گرفته، طرح می‌کند. هم‌چنین می‌توان این حکایت را در سطحی دیگر، نقدی بر وضعیت دربارهای بیدادگر روزگار سعدی و توصیف آن در شکل فضایی دانست که از یک سو تملق و از سوی دیگر غارتگری در آن رواج یافته‌است. افزون بر این، سعدی با شکل دادن به کنشی میان شاعری ثناگو و امیر دزدان، ضمن تأکید بر نقش حاکمان دروغین، نتیجه حیرت‌انگیز بیداد روزگار را با اشاره به برهنه‌شدن شاعر، سگانی وحشی و سنگ‌هایی یخ‌زده مورد تأکید قرار می‌دهد.

۱۰. نگاره ثناگویی امیر دزدان



تصویر ۲: نگاره ثناگویی امیر دزدان (موزه چستربیتی)

بنابر آنچه اشاره شد در بازتولید این نسخه از گلستان سعدی، یکی از تندترین حکایت‌های انتقادی سعدی از دستگاه سیاسی موردتوجه نگارگران کتابخانه سلطنتی بایسنغر قرار می‌گیرد. در این نگاره، با تأکید بر وجوه انتقادی اندرز سعدی، مضامین این حکایت، در انطباق با وضعیت معاصر ایشان تصویر شده و اندرزی را برای اصلاح شرایط، در مواجهه با نظام سیاسی حاکم شکل می‌دهد. با توجه به شرایط دوران تیموری، به‌نظر می‌رسد موردتوجه قراردادن این حکایت با بهره‌گیری از هنر نگارگران دربار بایسنغر، می‌تواند ضرورت بازخوانی این اندرز سعدی را در تناسب با گسترش نقش امیران تیموری در زمانه شاهرخ آشکار کند که با ورود به مشاغل دیوانی نفوذ خود را در دربار افزایش داده و حکومت بر برخی مناطق را در اختیار داشتند. بر این اساس، مقطع انتخاب‌شده از این حکایت برای تصویرگری و هم‌چنین نحوه عینیت‌بخشی نگارگران به امیر دزدان، کاخ، سنگ‌ها، سگ‌ها و شاعر ثناگو که از عناصر اصلی حکایت محسوب می‌شود، موضوعی موردتوجه است.

صنایع
پهنه‌های ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنایع ایران

سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۰



بهار و تابستان ۱۴۰۲

در نتیجه، در ادامه، این نگاره در نسبت با شرایط سیاسی - اجتماعی دربار تیموریان در دو بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرد: نخست، نحوه تصویرگری نگارگران از کاخ و امیر دزدان، براساس بررسی نحوه منطبق ساختن اندرز سعدی با وضعیت سیاسی معاصر ایشان تحلیل می‌شود که ورود امیران لشکر به دیوان‌سالاری و کاخ دولت بوده‌است. در مرحله دوم، تحلیل دیگر عناصر تصویرشده از روایت سعدی، از منظر تجسم‌بخشی به نتایج این وضعیت سیاسی تحلیل می‌شود.

۱-۱۰. تصویرگری امیران در کاخ دولت

نحوه تصویرشدن کاخ و امیر دزدان در این نگاره می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین عناصری در نظر گرفته شود که حکایتی از گذشته را در تناسب با زمان معاصر ایشان عینیت بخشیده و اندرزی معاصر را شکل می‌دهد. با توجه به جدول (۲) شباهت نحوه تصویرگری امیر دزدان و امرای تیموری نکته‌ای قابل توجه است. الگوی چهره‌پردازی، جامه، شمشیر، چکمه و دستار تصویرشده برای امیر دزدان، دارای مشابهت قابل توجهی با نحوه تصویرگری همین عناصر در دیگر نگاره‌های این دوران است که از نظر پژوهشگران مشخصات امرای تیموری را تداعی می‌کند (عمادی، ۱۳۹۰: ۲۲) توجه به تزئینات و جزئیات لباس‌های فاخر برای دزدان نیز لزوم تأمل در این نوع از تصویرگری را افزون می‌کند. بر این مبنا می‌توان این فرض را موردنظر داشت که در این نگاره، دزدها، با لباس و چهره‌ای مشابه امیران تیموری تصویر شده‌اند.

جدول ۲: شباهت تصویرگری امیر دزدان و امیران تیموری در مکتب هرات (نگارندگان)

			<p>نحوه تصویرگری امیران تیموری در مکتب هرات</p>
<p>۳. نگاره کشتی پهلوانان، گلستان سعدی، ۸۳۰ ه.ق (موزه چستریتی)</p>	<p>۲. نگاره درویش برهنه، گلستان سعدی، ۸۳۰ ه.ق (موزه چستریتی)</p>	<p>۱. نگاره کشتی پهلوانان، گلستان سعدی، ۸۹۱ ه.ق (عمادی، ۱۳۹۰: ۲۱)</p>	
		<p>نحوه تصویرگری دزدان</p>	
<p>۵. نگاره ثناگویی امیر دزدان، گلستان سعدی، ۸۳۰ ه.ق (موزه چستریتی)</p>	<p>۴. نگاره ثناگویی امیر دزدان، گلستان سعدی، ۸۳۰ ه.ق (موزه چستریتی)</p>		

از طرف دیگر، جای توجه دارد که در حکایت سعدی، مکان امیر دزدان با عبارت «امیر دزدان از غرفه بدید» (سعدی، ۱۳۹۸: ۱۱۰)، صرفاً در حد یک اتاق توصیف می‌شود و هم‌چنین با عبارات «سگان قریه بقفایش افتادند» (همان‌جا)، محیط خارج از اتاق امیر دزدان، مکانی روستایی توصیف می‌شود. اما همان‌طور که در جدول (۳) قابل مقایسه است، در این نگاره، مکان قرارگیری امیر دزدان، غرفه‌ای در کاخی مشابه با کاخ شاهان و سلاطین تصویر شده‌است. هم‌چنین همان‌گونه که در تصویر (۴) از جدول (۲) قابل مشاهده است، قرارگیری یکی از دزدها در درگاه کاخ، به‌گونه‌ای تصویر شده‌است که گویی با تأکید بر نشان دادن شمشیر و چکمه‌هایی مشابه امیران تیموری، دزدی با لباس امیر در حال ورود به کاخ است. با به‌کارگیری چنین تمهیداتی، اهمیت این نگاره در نسبت با احوال زمانه و ورود امیران به شغل دیوان‌سالاری و کاخ دولت وجهی آشکارتر می‌یابد.

از طرف دیگر، کاخ دزدان به‌گونه‌ای تصویر شده که نظم و ترتیب، به‌عنوان مهم‌ترین خوبشکاری حاکم و مشخصه جایگاه شاهان در اندیشه سیاسی ایران‌شهری را تداعی می‌کند (رستموندی، ۱۳۸۸: ۵۵). از این‌رو کاخ در تمایزی آشکار با دیگر عناصر بصری این نگاره قرار می‌گیرد. همان‌طور که در جدول (۳) قابل مقایسه است، این کاخ ضمن شباهت به نحوه تصویرگری متداول کاخ در مکتب هرات، با تکرار منظم که مهم‌ترین ملاک تشخیص نظم برآمده از اشته بوده، تصویر شده‌است (نیبرگ، ۱۳۵۵: ۱۳۰). در واقع کاخ براساس سنت متداول در معماری کاخ شاهان، تداعی‌گر الگوی مقدس مینوی و نظم مقدس کیهانی ترسیم شده‌است (رضایی‌راد، ۱۳۷۸: ۱۶۷). این کاخ‌ها به‌عنوان مکان حضور شاه دادگر، مرجع دادگری و عینیت‌بخشی به نظم الهی تصور می‌شدند. هم‌چنین با تأکید بر چنین رویکردی، در این نگاره افزون بر نظم عناصر، بر بالای درگاه این کاخ نیز کتیبه‌ای با عبارت «یا مفتاح الابواب» (تصویر ۳) نقش بسته است. این کتیبه، صفتی قدسی را با این کاخ پیوند می‌دهد. اما آن‌چه جای توجه دارد این است که در این نگاره، این کاخ مینوی با اقامت‌کنندگان در تضاد است.

جدول ۳: مقایسه تصویرگری کاخ امیر دزدان و دیگر کاخ‌های تصویرشده در مکتب هرات (نگارندگان)

تصویرگری کاخ در مکتب هرات	تصویرگری کاخ امیر دزدان
	
<p>کاخ اردشیر در نگاره گلنار و اردشیر، شاهنامه بایسنغری (آزند، ۱۳۹۸: ۲۸۵)</p>	<p>کاخ امیر دزدان در نگاره ثناگویی امیر دزدان (موزه چسترییتی)</p>

بنابراین در تمایز با حکایت سعدی که اشاره‌ای به کیفیت‌های کاخ نمی‌کند، با دیدن این نگاره می‌توان تصور کرد که شاعری، در زمانی پیش از آن‌چه توسط نگارگران تصویر شده‌است، با دیدن کاخ قدسی و با قصد ثناگویی حاکم ساکن در آن به سوی کاخ رفته‌است اما با حضور امیر دزدان که به دروغ در این کاخ جای گرفته‌است، به جای دریافت پاداش، جامه‌اش به سرقت می‌رود. در نتیجه، با حضور امیرانی دزد، این کاخ قدسی نیز مرجعیت خود در نظم و راستی را از دست داده و تبدیل به محلی برای اقامت بیدادگران شده‌است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت افزون بر عناصر مشخص‌کننده امیر دزدان که ایشان را معادل امیران تیموری قرار می‌دهد، مکان تصویرشده برای حضور ایشان در این نگاره نیز نه خرابه یا اتاقی در روستایی دورافتاده و متناسب دزدان، بلکه مکانی معادل کاخ دولت و فرمانروایی است. با چنین کیفیتی از تصویرگری این اندرز سعدی، چنین به نظر می‌رسد امیران تیموری که می‌بایست در خدمت برقراری نظم، پاسداری از سرزمین مقدس و دادگری باشند، در این نگاره و توسط نگارگران کتابخانه بایسنغر، معادل دزدان و غارتگران تصور شده‌اند. به عبارت دیگر، در این نگاره تصویر امیران تیموری، با معنای راستین آن که لشکررداری بوده متمایز تصویر شده و ایشان در شکل دزدانی تجسم بخشیده می‌شوند که به دروغ در جایگاه و لباس دولت قرار گرفته‌اند.

پنجاه و یک
صنایع ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنایع ایران

سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۰

بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱۵



تصویر ۴: تکرار نقوش در تصویرگری کاخ در نگاره ثناگویی امیر دزدان



تصویر ۳: کتیبه نقش‌بسته بر سردر ورودی کاخ امیر دزدان در نگاره ثناگویی امیر دزدان

۱۰-۲. بروز نتایج ورود امیران در کاخ دولت

با توجه به وجود امیری بیدادگر در کاخ دولت، نحوه تصویرگری دیگر عناصر این نگاره نیز جای توجه و بررسی خواهد داشت. همان‌طور که در تصویر (۵) قابل مشاهده‌است، سگ‌ها که می‌بایست نگهبان گله در برابر حیوانات وحشی باشند، در این نگاره هم‌چون گرگانی درنده به شاعر حمله می‌کنند. قابل توجه است که از کهن‌ترین استعاره‌های مشخص‌کننده روابط شاه و رعیت، تمثیل شاه به شبان و رعیت به گوسفندان

است. در چنین تمثیلی رعیت مطیع شاه بود اما شاه نیز مسئول هدایت ایشان به سوی سعادت بود و مراعات احوال ایشان را برعهده داشت (اسلامی، ۱۳۹۴: ۹۲). بنابراین با توجه به اهمیت تمثیل در نگارگری ایرانی، ظاهر و عملکرد این سگ‌ها با نقش مورد انتظار از آن‌ها مغایر بوده و به جای نگهبانی از رعیت، بلای جان او شده‌اند (ایاز و تیموری، ۱۴۰۱: ۵۸). افزون بر این، با توجه به نحوه رنگ‌گذاری و وجود نقاط سفید بر روی سنگ‌ها که در تصویر (۴) قابل تشخیص است و در انطباق با اندرز سعدی، سنگ که عنصری رها در طبیعت است، در این نگاره، با پوششی از لایه‌های یخ در حالتی غیرطبیعی، گویی بر زمین بسته شده‌است. از این‌رو حتی طبیعت نیز به‌شکلی دگرگون شده بروز یافته است. شاعر نیز که تا



تصویر ۵: سنگ‌های بسته‌شده و سگ‌های رهاشده در نگارهٔ ثناگویی امیر دزدان

قبل از حضور در سیطرهٔ امیر دزدان و مواجهه با وضعیتی از بیداد دربار امیر دزدان، ملیس بوده، اکنون برهنه و حیرت‌زده از این وضعیت دروغین و ظالمانه، به‌شکلی بهت‌زده تصویر می‌شود (تصویر ۲).

آن‌چه توصیف شد، بنابر دوگانگی بروز یافته در امور، از منظر اندیشهٔ سیاسی ایران‌شهری، تعریفی از وضعیت بیداد و دروغ در برابر نظم و راستی ارائه می‌دهد چراکه عدم تعهد حاکم به اشته، عامل اصلی بروز دروغ و بیداد در جامعه منظور می‌شده است (طباطبایی، ۱۳۹۹: ب: ۱۶۷). بر همین اساس جای توجه دارد که در روایت سعدی دلیل بروز این وضعیت از بی‌نظمی و بیداد، نقش امیر دزدان دانسته می‌شود. از قول شاعر که در

نگاره نیز کتابت شده‌است، این گونه نقل می‌شود که: «این چه حرامزاده مردمانند که سنگ را بسته و سگ را گشاده‌اند» (سعدی، ۱۳۹۸: ۱۱۰). از این‌رو، امیر دزدان که به دروغ در کاخ دولت جای گرفته، مخاطب این سخن و عامل این وضعیت است: «امیر دزدان از غرفه بیدید و بشنید و بخندید و ویرا نزد خود طلبید» (همان‌جا). بر همین اساس، در اندیشهٔ سیاسی ایران‌شهری نیز، احوال شاه و دربار، تمامی نظام هستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «تبدل احوال شاه، به تغییر و دگرگونی در نظم کائنات خواهد انجامید؛ تا آنجا که حتی با تغییر نیت شاه، آسمان بخیل می‌شود و شکر، تلخ و حیوانات بی‌تأثیر می‌شوند» (منتظری، طامه، و شریفی، ۱۴۰۱: ۷۷). بر این اساس، به نظر می‌رسد ویژگی‌های این نگاره با وضعیت سیاسی دوران شاه‌رخ و ورود امیران لشکر به دیوان‌سالاری مرتبط بوده‌است. در این زمان، جاه‌طلبی امیران لشکر منجر به کسب همزمان مشاغل دیوان‌سالاری و لشکررداری برای ایشان بود. از منظر اندیشهٔ سیاسی ایران‌شهری، این وضعیت جایگاهی دروغین و نابه‌جا و متمایز از خویشکاری لشکررداری را برای امیران شکل می‌داد. چنین موقعیتی که مبتنی بر بی‌نظمی دربار بود، می‌توانست برهم‌خوردن نظم اجتماع را به‌همراه داشته باشد و طرح مفهوم دادگری برای برقراری نظم امور دربار را ضروری می‌ساخته‌است. بر این مبنا، این نگاره تصویری از عاقبت وضعیت نابسامان دربار و بیداد حاصل از حضور امیران، بر مسندی نابه‌جا را با بهره‌گیری از اندرز سعدی تجسم می‌بخشد.

۱۱. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی صورت‌گرفته و در پاسخ به سوال طرح‌شده در این مقاله، این نتیجه قابل طرح است که نگارهٔ ثناگویی امیر دزدان، در زمره آثار سنت اندرزدهی سیاسی و آشکارکنندهٔ ضرورت توجه حاکم به برقراری نظم دربار و دادگری است. نگارگران کتابخانهٔ سلطنتی بایسنغر، با به‌کارگیری اندرز مطرح در حکایت سعدی، آن را در وضعیتی معاصر و در مواجهه با وجود سنت‌های ترکی و مغولی موجود در دربار شاه‌رخ تجسم بخشیده‌اند. هنرمندان تصویرگر این نگاره، تأکید سعدی بر بیداد روزگار و دگرگون‌شدن نقش و کارکرد افراد و پدیده‌ها را ضمن تصویرگری وضعیت حیرت‌انگیز سنگ‌ها، سگ‌ها، شاعری ثناگو و هم‌چنین لباس و کاخ امیر دزدان، با بی‌نظمی در وضعیت سیاسی معاصر خود مرتبط ساخته‌اند. این تصویر که وضعیتی از بیداد را تجسم می‌بخشد، نقش و حضور امیران تیموری در دربار را نظیری بر امیر دزدان

طرح می‌کند. از طرف دیگر، ایشان در تداوم نقش سعدی در اندر زدهی سیاسی، ناشایست بودن ثناگویی در دربار را نیز مورد توجه قرار داده و عاقبت ناپسند آن را متذکر می‌شوند.

بهرغم سامان نسبی امور در دوران شاهرخ، ورود امیران تیموری به دیوان سالاری، از سوی عوامل اندیشه سیاسی ایران شهری به عنوان عامل برهم خوردن نظم دربار محسوب می‌شده است. از آنجا که در این اندیشه، دادگری به عنوان انطباق نظم سیاسی - اجتماعی با قواعد این اندیشه و نظم مقدس کیهانی درک می‌شد، جایگاه تصاحب شده از سوی امیران لشکر در دربار تیموری، معادل وضعیتی از بیدادگری تصویر شده است. بر این اساس، هنرمندان نگارگر کتابخانه بایسنغر، با تصویرگری وضعیت ناشایست دربار امیر دزدان و نتایج آن، در شکلی قابل انطباق با دربار امرای تیموری، بروز بیداد و بی‌نظمی در دربار تیموریان را مورد نقد و اندرز قرار می‌دهند. در نهایت قابل توجه است که این فرایند، نقش هنرمندان کتابخانه سلطنتی بایسنغر در بازخوانی و طرح قواعد سیاسی ایران شهری و شکل دهی به اثری برآمده از سنت اندر زدهی سیاسی را آشکار می‌کند.

منابع

- اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۴). حکومت‌مندی ایران شهری تداوم تکنولوژی‌های قدرت در ایران. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- امام‌شوشتری، محمدعلی. (۱۳۴۸). عهد اردشیر. ترجمه عربی استاد احسان عباس. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- امیراسمی، کامبیز، فیاض‌انوش، ابوالحسن، و الهیاری، فریدون. (۱۳۹۹). تحلیل تاریخی عوامل مؤثر بر شکل‌دهی حیات اجتماعی شهر در عصر تیموریان. تاریخ اسلام و ایران. ۳۰ (۴۸)، ۴۳-۶۹. doi: 10.22051/hii.2020.20520.1661
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۸). دانشنامه مزدیسنا؛ واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت. تهران: نشر مرکز.
- اورعی قدیری، مریم، قنوت، عبدالرحیم، و عباسی، جواد. (۱۳۹۱). مناسبات وزیران و امیران در عصر تیموری (بررسی موردی رابطه غیث‌الدین پیر احمد خوافی با امیران و وزیران تیموری). تاریخ و فرهنگ، ۴۴ (۲)، ۲۹-۴۲. doi: 10.22067/history.v0i0.22944
- ایاز، حمید، و تیموری، عاطفه. (۱۴۰۱). تطبیق مفاهیم تمثیلی و نمادین سگ در آثار حماسی، غنایی و عرفانی (با تکیه بر شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و مثنوی مولوی). تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ۱۴ (۵۱)، ۸۱-۵۴. doi: 20.1001.1.2717431.1401.14.51.3.9
- آزند، یعقوب. (۱۳۸۹). نگارگری ایران پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران. تهران: سمت.
- برزگر، ابراهیم و حسن‌زاده، سعید. (۱۳۹۶). الگوی کشورداری در سیاست‌نامه‌ها مطالعه موردی: تاریخ بیهقی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶ (۲۳)، ۹-۲۹. doi: 10.22054/qps.2018.23468.1680
- خواجه نظام‌الملک، ابوعلی حسن بن علی. (۱۳۴۴). سیاست‌نامه. به کوشش محمد قزوینی. تهران: کتابفروشی زوار.
- سعدی، مصحح بن عبدالله. (۱۳۹۸). کلیات سعدی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: ثالث.
- شرفی، محبوبه. (۱۳۹۰). اندرزنامه‌نویسی سیاسی در عصر ایلخانی. فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ۳ (۱۰)، ۹۳-۱۱۴. doi: 20.1001.1.22286713.1390.3.10.5.2
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۹۸). تاریخ ادبیات ایران. تهران: انتشارات ققنوس.
- طباطبایی، جواد. (۱۳۹۵). اندرزنامه‌نویسی خلاف‌آمد عادت سعدی. سعدی‌شناسی، ۱۱ (۱)، ۱۱۷-۱۵۳.
- (۱۳۹۹ الف). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران (ملاحظات در مبانی نظری). تهران: طرح نو.
- (۱۳۹۹ ب). خواجه نظام‌الملک طوسی گفتار در تداوم فرهنگی. تهران: طرح نو.
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۳). معرکه جهانی‌بینی‌ها. تهران: شرکت انتشارات احیا کتاب.
- رستم‌وندی، تقی. (۱۳۸۸). اندیشه ایران شهری در عصر اسلامی. تهران: امیرکبیر.
- رضایی‌راد، محمد. (۱۳۷۸). مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی. تهران: طرح نو.
- رضوی، سید ابوالفضل، و آزادبخت، سروش. (۱۳۹۷). دیوان سالاران امیر؛ درآمدی بر دگرگونی ساختار سیاسی-نظامی تیموریان در عهد شاهرخ. مطالعات تاریخی جنگ، ۲ (۴): ۱۱۳-۱۳۸. doi: 20.1001.1.25887033.1397.2.4.6.6

- روشنی، میثم، و کشاورز افشار، مهدی. (۱۴۰۲). ضرورت شکل‌گیری نگاره یوسف و زلیخا در دوران سلطان حسین بایقرا. جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۵ (۳)، ۱۰۵-۱۲۷. doi: 10.22034/scart.2023.62807
- رهنورد، زهرا. (۱۳۹۸). تاریخ هنر ایران در دوران اسلامی، نگارگری. تهران: سمت.
- عمادی، سید مانی. (۱۳۹۰). تحلیل چند نگاره پهلوانی از منظر جهان‌نگری فتوتیه. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۴ (۷)، ۱۹-۳۷. doi: 10.30480/vaa.2012.655
- قربانیان، سمیه. (۱۴۰۰). نقد قدرت حاکمان در گلستان و بوستان سعدی. مطالعات علوم اسلامی انسانی، ۷ (۱)، ۷۲-۸۶. doi: 10.22034/JOHI.2021.0518.1145
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چاپ پنجم. تهران: دنیای کتاب.
- کشاورز افشار، مهدی، طاووسی، محمود، و ضیمران، محمد. (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی ایرانشهری در نگارگری ایرانی، مطالعه موردی: نگاره بهرام گور و شبانی که سگش را به دار آویخته است از خمسه نظامی، مربوط به دوره شاه تهماسب صفوی. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۳ (۶)، ۳۵-۵۶.
- منتظری، سید سعیدرضا، طامه، مجید، و شریفی، سعیده. (۱۴۰۱). بررسی مقایسه‌ای کارکردهای اشه و ماعت. الهیات تطبیقی، ۱۳ (۲۷)، ۷۱-۸۴. doi: 10.22108/coth.2022.131095.1654
- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین. (۱۳۸۲). مروج الذهب و معادن الجوهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ هشتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مولوی [جلال‌الدین محمد بلخی] (۱۳۷۸). مثنوی معنوی. تهران: نشر علم.
- میرزابور آل‌هاشم، صدیقه سادات، و محمودی، ابوالفضل. (۱۳۹۹). «آشه» در متون اوستایی. پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۹ (۱۷)، ۱۷۱-۱۹۵. doi: 10.22061/orj.2020.1386
- نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۵۵). دین‌های ایران باستان. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- یوسفی‌راد، مرتضی. (۱۳۸۷). روش‌شناسی سیاست‌نامه‌نویسی. در داوود فیرحی، روش‌شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی (صص. ۲۴۳-۲۶۴). تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

References

- Amiresmi, K., Fayyazanoush, A., & Allahyari, F. (2020). Historical Analysis of Factors Affecting the Formation of Social Life of Cities in the Timurid Era. *History of Islam and Iran*, 30 (48), 43-69. doi: 10.22051/hii.2020.20520.1661 [In Persian].
- Awraī Qadīrī, M., Qanawāt, A., & 'Abbāsī, J. (2013). The Relations between the Viziers and Emirs during the Timurid Period (A Case Study of the Relation of Qiyāth al-Dīn Pīr Aḥmad Khwāfī to the Timurid Emirs and Viziers). *Journal of History and Culture*, 44 (2), 29-44. doi: 10.22067/history.v0i0.22944 [In Persian].
- Ayaz, H., & Teamoori, A. (2022). Application of allegorical and symbolic concepts of dogs in epic, lyrical and mystical works Based on Ferdowsi's Shahnameh, Khamseh Nezami and Rumi's Masnavi (Mouvhlavi). *Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly*, 14 (51), 54-81. doi: 10.1001.1.2717431.1401.14.51.3.9 [In Persian].
- Barzegar, E., & Hassanzadeh, S. (2018). The Model of Statecraft in Mirror for Prince Case Study: Tarikh_e_Beihaqi. *Political Strategic Studies*, 6 (23), 9-29. doi: 10.22054/qpps.2018.23468.1680 [In Persian].
- Christiansen, Arthur. (2007). *L' Iran Sous Les Sassan*. translated by Rashid Yasimi, 5th edition, Tehran: World of Books.

- Emadi, S. M. (2012). An analysis of the selected miniatures (with the theme of championship) from viewpoint of a Tenet, called Fotowatiyah. *Journal of Visual and Applied Arts*, 4 (7), 19-37. doi: 10.30480/vaa.2012.655 [In Persian].
- Ghorbanian, S. (2021). Criticism of the rulers' power in Golestan and Bostan Saadi. *Research in Humanities Islamic*, 7 (1), 72-86. doi : 10.22034/JOHI.2021.0518.1145 [In Persian].
- Imam Shushtri, M. (1969). *Ardashir's reign*. Arabic translation by E. Abbas. Tehran : Publications of the National Art Association [In Persian].
- Islami, R. (2015). *Iranshahri governance is the continuation of power technologies in Iran*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [In Persian].
- Keshavarz Afshar, M., Tavooosi, M., & Zamiran, M. (2019). Iranshahri's political thought in Iranian painting, a case study: the painting of Bahram Gur and a shepherd who hangs her dog from Khamsa Nizami, related to Shah Tahmasab Safavid era. *Journal of Visual & Applied Arts*, 3 (6), 35-56 [In Persian].
- Khwaja Nizam al-Mulk, H. (1965). *Siyasatnama*. By the efforts of Mohammad Qazvini. Tehran: Zovar bookstore [In Persian].
- Masoudi, A. (1995). *Murūj al-zahab va ma'ādin al-jawhar* (A. Payandeh, Trans.). 7th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Montazeri, S. S. R., Tame, M., & Sharifi, S. (2022). A Comparative Study of the Functions of Asha and Ma'at. *Comparative Theology*, 13 (27), 71-84. doi: 10.22108/coth.2022.131095.1654 [In Persian].
- Mirzapour Alehashem, S. S., & Mahmoodi, A. (2020). "Asha" in Avestian textes. *Journal of Ontological Researches*, 9 (17), 171-195. doi: 10.22061/orj.2020.1386 [In Persian].
- Nyberg, H. S. (1976). *Religions of ancient Iran*. (S. Najmabadi, Trans.). Tehran: Iranian Center for the Study of Cultures.
- Oshidari, J. (1999). *Mazda encyclopedia; Explanatory dictionary of Zoroastrian religion*. Tehran: Markaz [In Persian].
- Rahnavard, Z. (2018). *The history of Iranian art in the Islamic era, Miniature*. Tehran: Samt [In Persian].
- Rajaei, F. (1994). *Mareke Jahanbiniha*. Tehran: Ahya Kitab Publishing Company [In Persian].
- Razavi, S. A., & Azadbakht, S. (2019). Bureaucrat Governors: An Investigation of the Transformation of the Timurid Military-Political Structure in Shahrukh's Era. *Historical Study of War*, 2 (4), 113-138. dor: 20.1001.1.25887033.1397.2.4.6.6 [In Persian].
- Rezaee Raad, M. (2010). *The foundations of Political Thought in the Mazdaic Wisdom*. Tehran: Trah-e-no [In Persian].
- Roshani, M., & Keshavarz Afshar, M. (2023). The necessity of the Yusuf and Zuleikha miniature formations during the era of Sultan Hossein Bayqra. *Sociology of Culture and Art*, 5 (3), 105-127. doi: 10.22034/scart.2023.62807 [In Persian].
- Rostamwandi, T. (2008). *Iranshahri thought in the Islamic era*. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Rumi, J. M. (1999). *Masnavi*. Tehran: Science [In Persian].
- Saadi, M. (2018). *Koliat Saadi*, with an introduction by A. Iqbal Ashtiani. Tehran: Sales [In Persian].
- Safa, Z. (2018). *History of Iranian literature*. Tehran: Phoenix Publications [In Persian].

- Sharafi, M. (2011). Political Letter of Advice Writing In the Ilkhanid'd Period. *HISTORICAL STUDIES OF ISLAM*, 3 (10), 93-114. dor : 20.1001.1.22286713.1390.3.10.5.2 [In Persian].
- Tabatabaei, J. (2015). Saadi's violation of habit Andarzname. *Sadi Shenasi*, 1 (1), 117-153 [In Persian].
- (2019a). *History of political thought in Iran, considerations in theoretical foundations*. Tehran: Minoie Kherad [In Persian].
- (2019b). *Khwaja Nizam al- Mulk Tusi, speech in cultural continuity*. Tehran: Minoie Kherad [In Persian].
- Yousefirad, M. (2008). Policy writing methodology. In D. Firhi, *methodology of political knowledge in Islamic civilization* (pp. 243-264). Tehran: Islamic Science and Culture Research Institute [In Persian].



The Concept of Justice in the Miniature of the Poet's Praise of the Robber-Chief

Meysam Roshani

MA of Art Studies, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran/
meysamroshani@modares.ac.ir

Mehdi Keshavarz Afshar

Assistant Professor, Department of Art Studies, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)/ m.afshar@modares.ac.ir

Received: 12/06/2023

Accepted: 31/08/2023

Introduction

According to the political thought of Iran Shahri, achieving justice in the social system was one of the main issues of the Middle Ages in Islamic Iran. In this political thought, justice was designed as a means of aligning social order with the sacred order of the cosmos. During this period, as a result of Iranians' confrontation with Turkish and Mongolian traditions, special aspects of various dimensions of the concept of justice were formed in Iranian culture, society, and artistic works. Based on tribal traditions, the power that was based on the sword was one of the most important components of the formation of the courts of Turkish and Mongolian rulers. One of the results of this approach was disorder and political instability at the level of the court and society. In the Timurid period, political changes resulted in the significance of the position of divan-salar and the emergence of competition between Timurid emirs and Iranian ministers to gain divan positions. These competitions were among the factors creating instability and disorder at the court. One of the measures taken to deal with such tensions was the use of miniature art in the context of political admonition tradition.

Research Method

The research method is descriptive-analytical and historical in terms of fundamental goals and nature. The data collection method is documentary and library-based. In this research, a miniature with the title of "The Poet's Praise of the Robber-Chief" was analyzed as a case study. The sample selection method was purposive, and the data analysis was done qualitatively. First, based on library documents and sources, the political necessities of the formation of this miniature from a manuscript from Sa'di's *Gulistan* during Shahrokh's reign were examined. Based on the identified political necessities during Shahrokh's era and the political advisory qualities of Sa'di's work, from Shahri's outlook, a qualitative analysis of this miniature was undertaken in relation to the political advisory tradition and the concept of justice.

Research Findings

Given the entry of emirs into bureaucratic affairs, the illustrating of the "The Poet's Praise of the Robber-Chief" by Iranian artists from the Baysunghur library was a significant action. The subject of this miniature was based on the tenth story of the fourth chapter of Sa'di's *Gulistan*, entitled "On the Benefits of Silence." In this story, Sa'di briefly portrayed how through the presence of a deceitful ruler, the disruption of the righteous social order and the disturbance in the system of epistemology

پژوهش‌های هنرهای
صنایع ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنایع ایران

سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۰

بهار و تابستان ۱۴۰۲

occur. From Iran Shahri's perspective, when foreign rulers are falsely placed in the position of sovereignty, the court becomes a source of oppression, and the order of all affairs becomes disrupted by lies. Accordingly, Sa'di, by presenting two attributes of the "praiser" for the poet and the "thief" for the military commander, portrayed a situation of disorder of meanings and a disruption of the function of individuals emerged as a result of the oppression of the rulers. Through creating an interaction between the praising poet and the robber-chief, Sa'di emphasized the role of the deceitful rulers and highlighted the astonishing consequences of the contemporary oppression by referring to the nudity of the poet, wild dogs, and frozen stones.

In the examined miniature, considering the similarity between the robber-chief depiction and the Timurid emirs' portrayal, this miniature gave a tangible representation of the past in proportion to their contemporary time and created a contemporary admonition. The drawing of facial features, clothing, sword, boots, and turban depicted for the robber-chief had a noticeable similarity to how these elements had been depicted in other miniatures of this period reflecting the characteristics of Timurid emirs. Attention to the decorations and details of the luxurious clothing for Dezdadan also added to the necessity for the reflection on this miniature. Based on this, in this miniature, thieves were depicted with clothing and faces similar to those belonged to Timurid emirs. By observing this miniature, it could be imagined that a poet, before what was depicted by painters, went to the palace of the holy city with the intention of praising the ruler living there; however, instead of receiving a reward, his clothes were stolen by the robber-chief, who falsely took his place in the palace. As a result, with the presence of deceitful emirs, this holy palace also lost its authority in order and righteousness and became a place for the residence of oppressors. Based on this, it can be concluded that in addition to the defined elements of military commanders, equating him with Timurid emirs, the depicted location for his presence in this miniature was not a ruin or a room in a remote village suitable for thieves, but a place equivalent to the government palace and court.

Conclusion

The miniature of the poet's praise of the robber-chief is an example of political advisory art that emphasizes the importance of establishing order in the court and justice in governance. Iranian artists from the Baysunghur library created this miniature based on Saa'di's political advisory poem, representing contemporary political realities and confronting Turkish and Mongolian traditions present in Shahrokh's court. The artists depicted the disorder of the times and the transformation of roles and functions through the portrayal of astonishing elements such as stones, dogs, praising poets, and the clothing and the palace of the robber-chief. The miniature also highlights the role of Timurid emirs in the court and their similarity to Dezdadan. Through the continuation of Sa'di's role in political admonition, the artists also criticize the inappropriate behavior of praising poets in the court. The entry of Timurid emirs into bureaucratic affairs during Shahrokh's reign was considered a factor in disrupting the court's order from Iran Shahri's view. Therefore, depicting thieves with clothing and faces similar to Timurid emirs in this miniature can be seen as a critique of their behavior. Finally, this process highlights the role of artists from the Baysunghur library in reinterpreting and presenting Iran Shahri's political thought principles through political advisory art.

Keywords: miniature, Herat school, political advice, justice, *Gulistan*.